

روی موج کوتاه

ترامپ:

**درباره توافق یا حمله به ایران،**

**۵۰-۵۰ هستم**

رئیس جمهور آمریکا گفت: مذاکره کنندگان به نهایبی کردن توافق بین ایران و ایالات متحده بسیار نزدیک شده‌اند. درباره توافق یاحمله به ایران، ۵۰-۵۰ هستم.دونالد ترامپ در گفت‌وگو با سسی‌بی‌اس نیوز گفت که آخرین پیش‌نویس توافق با ایران را با مشاورانش بررسی خواهد کرد.و ممکن است روز یکشنبه تصمیمی بگیرد.رئیس جمهور آمریکا گفت:من جلسه‌ای برای بحث در مورد آخرین پیش‌نویس با ایـران برگزار خواهم کرد و ممکن است تا فردا در مورد آن تصمیم بگیرم.اکسیوس به نقل از برخی منابع گزارش دارد که ترامپ برای بحث در مورد پیش‌نویس توافق با ایران، یک کنفرانس ویدیویی با رهبران کشورهای عربی برگزار خواهد کرد.

عراقچی:

**ایران دست از حمایت حزب الله نخواهد کشید**
وزیر خارجه کشورمان در پیامی به شیخ نجیم قاسم، دبیر کل حزب‌الله تأکید کرد که جمهوری اسلامی تا آخرین لحظه از حمایت جنبش‌های مطالبه‌گر حق و آزادی دست نخواهد کشید و حزب‌الله مقاوم و پیروز در رأس این جنبش هاست.سیدعباس عراقچی، افزود که از همان ابتدا که برخی کشورهای منطقه برای کاهش تنش میان ایران و آمریکا وارد میناجیگری شدند، ایران پیوند آتش‌پس لبنان باهر توافقی را به عنوان شرط مطرح کرد و این اصل تاکنون به عنوان یک مبدا اثر دین‌ناپذیر باقی مانده و در زمره مطالبات حقه حقه دولت و ملت ایران است و چنین خواهد ماند. وزیر خارجه ایران تصریح کرد که در آخرین پیشنه‌ها دارا شده‌اند، سوی جمهوری اسلامی از طریق میانجی پاکستانی برای توقف دائمی و پایدار جنگ،مجددآبر گنجاندن لبنان در آتش‌پس تأکید شده‌است.

**عضو کمیسیون امنیت ملی درباره جلسه قالیباف و منبری:**
**برخی از موضع گیری‌های اخیر آمریکا نگران کننده است**

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، که در مذاکرات محمدمباقر قالیباف بافیلد مارشال عامم منبری، فرمانده کل ارتش و نیروهای مسلح پاکستان، حضور داشت گفته‌است که «برخی از موضع گیری های اخیر آمریکایا ها به‌خصوص ترامپ و وزیر خارجه تندروی آمریکا، قدری نگران کننده‌است که باید طرف پاکستانی این مسائل را بیشتر لحاظ کند.»فداحسین مالکی، به خیر گزارشی اینستا گفت:«هر دو طرف ایرانی و پاکستانی پذیرفتند که این چالش‌ها و ندانم کاری‌ها از ناحیه امریکاست که به توافق نهایی ضربه می‌زند و حتی ممکن است همین‌مذاکره که رنگ کند به‌خصوص از ناحیه افرادی مانند آنتیوآ ویتکاف و فرستاده ویژه رئیس جمهور آمریکا که گزارش‌های غیرواقع به ترامپ می‌دهند و ترامپ هم بر اساس آن،توییت می‌زند و موجب ایجاد حساسیت در ایران و حتی کدورت در دوستان پاکستانی مامی شود.»

**ایران خواستار دریافت غرامت از اعراب شد**

سفیر ونمایند دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد اعلام کرد: دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس شامل قطر، بحرین، کویت، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و همه‌ها را، در به‌خطر مشارکت و تسهیل حمله علیه جمهوری اسلامی ایران مسئول و موظف هستند جبران کامل خسارات وارده به جمهوری اسلامی ایران، از جمله تمامی خسارات مادی و معنوی ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی خود را بعمل آورند. به گزارش روزنامه رسیده ایر وانی، در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت به برخی مکاتبات اخیر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و ادعاهای آنها، به اظهارات علنی اخیر مقامات آمریکا، از جمله رئیس جمهور آمریکا و فرماندهی سنکتام پاسخ‌داد.

مولوی عبدالحمید:

**مردم دولتی انتخاب کرده‌اند که اختیار ندارد**

مولوی العالحمید، بانتقاد از ساختار تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی گفت مردم می‌گویند دولتی انتخاب کرده‌اند که اختیار ندارد و در ایران، بر خلاف بسیاری از کشورهای دولت‌نقشی مؤثر در سیاست‌های داخلی و خارجی ندارد. او افزود که تا زمانی که در قانون اساسی تغییر ایجاد نشود، هیچ‌کس نمی‌تواند وضع کشور را سامان بدهد. عبدالحمید از قطع اینترنت بین‌المللی نیز انتقاد کرد و آن را برای عموم مردم «آزار دهنده» خواند. او گفت اینترنت در عصر حاضر جزو نیازهای بشر است و بخش‌های مختلف زندگی ملت‌ها بان‌گر خورده‌است.

**دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان: اموال ۹۶ نفر در قزوين توقیف شد**
دادستان عمومی و انقلاب استان قزوين از شناسایی و توقیف اموال ۹۶ فرد در استان قزوين به نفع حقوق عامه خبر داد و این افراد را «مزدوران خارج‌نشین و داخل کشور» خواند. علی اصغر و محرومیت از عضویت در هر گونه احزاب و گروه‌های سیاسی برای شش نفر به اتهام انجام اقدامات «کفرخواست صادر شده‌است.

**رئیس کل دادگستری استان خبر داد: صدور ۵۳ سال زندان برای دو همکار دشمن در سمنان**

رئیس کل دادگستری استان سمنان از صدور احکام قطعی دو متهمی که در راستای اهداف سرویس‌های جاسوسی آمریکایی-صهیونیستی فعالیت می‌کردند، به نام‌های «لیلا رضایی فرزند کمال» و «فاطمه ملک احمدی فرزند احمد» خبر داد. به گزارش ایلنا، محمدصادق اکبری افزود: علاوه بر حکومتی به حبس‌های سنگین (۲۶ و ۲۷ سال)، مجازات‌های تکمیلی قاطعی نیز برای این افراد در نظر گرفته شده‌است؛ از جمله انفعال از کلیه خدمات دولتی، ممنوعیت مطلق خروج از مرزهای کشور و محرومیت از عضویت در هر گونه احزاب و گروه‌های سیاسی و اجتماعی که این حکم اکنون در حال اجراست. وی با تأکید بر سرعت و قاطعیت دستگاه قضایی استان در برخورد با عناصر دشمن تصریح کرد: دادگاه صالح قضایی با استناد به مدارک و مستندات کافی و نیز اعترافات صریح متهمان مبنی بر همکاری با شبکه‌های معاند و اقدام علیه امنیت ملی، آنان را به حبس‌های طولی‌المدت محکوم کرد.

نهاد فرخی

ایران هنوز از شوک جنگ خارج نشده؛ آتش‌بس شکننده و مذاکرات در جریان است، خطر بازگشت درگیری همچنان بالای سر منطقه سسنگینی می‌کند و اقتصاد کشور در وضعیت تعلیق به‌سر می‌برد.

در چنین شرایطی انتظار می‌رود همه ارکان قدرت در مسیر مدیریت بحران، بازسازی و کاهش تنش حرکت کنند. اما تحولات هفته‌های اخیر، بررسی مهم‌ر اپشنی‌روی افکار عمومی قرار داده که آیا بخشی از فضای سیاسی کشور روز تراز موعدا در قابت انتخاباتی ۱۴۰۷ شده است؟ نقش افرنی هم‌زمان محمدمباقر قالیباف در پرونده مذاکرات و علیرضا زاکانی در پروژه بازسازی تهران، حالا این شائبه را پررنگ کرده که دور قیاب انتخاباتی مسعود پیشکیان، در میانه یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران، آرام‌ارام در حال ساختن سکوی سیاسی آینده خود هستند.

**کشور هنوز در وضعیت جنگی است**
اکنون اگر چه آتش‌بس برقرار شده، اما کمتر کسی در ساختار سیاسی ایران از «پایان بحران» حرف می‌زند. نسه مذاکرات به نتیجه نهایب رسیده، نه تضمینی برای دوام آتش‌بس و وجود دار دونه حتی وضعیت اقتصادی کشور به ثبات رسیده است. بازار ارز همچنان متلاطم است، سسرمایه‌گذاری در حالت انتظار قرار دارد. اینترنت و تجارت خارجی هنوز با محدودیت‌های سنگین دست و پنجه نرم می‌کنند و جامعه نیز در وضعیت فرسودگی روانی پس از جنگ قرار دارد.

در چنین شرایطی، معمولاً در همه کشورها یک اصل پذیرفته‌شده وجود دارد و آن نیز تعلیق رقابت‌های سیاسی برای عبور از بحران ملی است. اما فضای سیاسی ایران در هفته‌های اخیر نشانه‌هایی متفاوت بروز داده‌شانه‌هایی که بیشتر از «مدیریت ملی بحران»، یادآور آغاز زود هنگام قیاب برای آینده سیاسی کشور است.

**بازگشت به انتخابات ۱۴۰۳ و رقابتی که تمام‌نشد**

برای فهم وضعیت امروز، باید به انتخابات ۱۴۰۳ بازگشت؛ انتخاباتی که در آن مسعود پیشکیان توانست در رقابتی سخت، محمدمباقر قالیباف و علیرضا زاکانی را پشت سر بگذارد. هر دور قییب، نمایندگان بخشی از جریان

**جنگ اما مهم‌ترین فرصت سیاسی سال‌های اخیر را برای محمدباقر قالیباف ایجاد کرد. او ناگهان از رئیس مجلس، به یکی از چهره‌های اصلی مدیریت بحران و سپس مذاکرات تبدیل شد و در هفته‌های اخیر، نه فقط حضور او در رأس تیم مذاکره‌کننده خیر ساز شده، بلکه نوع رفتار و ادبیات پیرامون این تیم نیز حساسیت‌برآنگیز بوده است. اوج این حساسیت‌ها زمانی شکل گرفت که خبر صدور «حکم» برای اسماعیل بقایی به عنوان سخنگوی تیم مذاکره‌کننده منتشر شد.**

ماجرا فقط یک واژه نبود. در سیاست خارجی و دیپلماسی، واژه‌ها اهمیت دارند. اسماعیل بقایی اساساً سخنگوی رسمی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران است و جایگاهش از ساختار حقوقی وزارت خارجه می‌آید، نه از یک تیم موقت مذاکره. همین مساله نیز شاید این پرسش را ایجاد کرد که آیا ریاست تیم مذاکره‌کننده به معنای ایجاد ساختار اداری موازی و صدور حکم برای بدنه رسمی دستگاه دیپلماسی است؟

**توافق ایران و پاکستان بر سر یادداشت تفاهم بقایی: نظرات ایران – آمریکا به هم نزدیک تر شده است**
اسکای نیوز عربی از رف مانع پرونده هسته‌ای در مذاکرات ایران و آمریکا خبر داد و در شبکه ایکس نوشت: منابع به اسکای نیوز عربی گفتند که میانجی پاکستانی موفق شد بر مانع پرونده هسته‌ای ایران غلبه کند. در عین حال سخنگوی هیات مذاکره‌کننده ایرانی عصر دیروز از نزدیک‌شدن نظرات دو طرف یک‌دیگر خبر داد.

اسماعیل بقایی، در گفت‌وگویی درباره سفر صغ منیر به تهران و ریزنر هایش با مقامات ایرانی گفت: پاکستان به عنوان میانجی نقش مهمی را ایفا کرده و هدف از این سفر ادامه تبادیل پیام‌ها بین ایران و آمریکا بود.

بقایی بیان کرد: تمرکز مادر این مرحله بر خاتمه جنگ تحمیلی است با مختصاتی که کم و بیش اطلاع‌رابد بر اساس پیشنهاد ۱۲ بندی ایران که چندین بار رفت و برگشت شده و در خصوص بندهای مختلف آن دیدگاه‌های طرفین تبادل شده‌است و در این چند روز راجع به برخی نکات و عبارات پردازی‌هایی که راجع به آن اختلاف نظر کماکان وجود

عضو هیات رئیسه مجلس:

**هزینه تسلیم بسیار بیشتر از مقاومت در مقابل آمریکاست**

عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی، گفت: قطعاً هزینه مقاومت کشورهایی مثل ایران، بسیار کمتر از هزینه تسلیمی است که آمریکا بر کشورها تحمیل می‌کند. بنابراین تنگه هر مز، فارغ از اینکه جنگ دیگری بر اساس تهدید ترامپ عملی می‌شود یا نه، قطعاً در سال‌های آینده بصورت متفاوت در راستای منافع ایران و جمهوری اسلامی مدیریت خواهد شد و آن را واگذار نمی‌کنیم. عباس بابایی زاده در گفت‌وگو با پدیدهن ایران، درباره پاسخ ایران به تهدیدها و پیشنهاد‌های آمریکا گفت: همان‌طور که مقام معظم شهید می‌گفتند، هزینه مقاومت خیلی کمتر از هزینه سازش (به معنای تسلیم شدن) است بنابراین مسیر انتخاب‌شده از سوی جمهوری اسلامی، کشور و ملت ایران، مسیر مقاومت است.»

**سایه رقابت ۱۴۰۷ بر مدیریت پساجنگ؛ قالیباف و زاکانی در میانه بحران چه می‌کنند؟**

# ستادهای پید او پنهان انتخاباتی زیر سایه آتش‌بس



کشور از بحران معرفی‌کنندو اگر شکست بخورد، باز هم او امکان را خواهد داشت که نقش «مدیر میدان بحران» بازی کند.

تهران ریاست مجلس، تلاش می‌کرد تصویر نهایی رسیده، نه تضمینی برای دوام آتش‌بس و وجود دار دونه حتی وضعیت اقتصادی کشور به ثبات رسیده است. بازار ارز همچنان متلاطم است، سسرمایه‌گذاری در حالت انتظار قرار دارد. اینترنت و تجارت خارجی هنوز با محدودیت‌های سنگین دست و پنجه نرم می‌کنند و جامعه نیز در وضعیت فرسودگی روانی پس از جنگ قرار دارد.

با پیروزی پیشکیان تصویری شد رقابت یک اصل پذیرفته‌شده وجود دارد و آن نیز تعلیق رقابت‌های سیاسی برای عبور از بحران ملی است. اما فضای سیاسی ایران در هفته‌های اخیر نشانه‌هایی متفاوت بروز داده‌شانه‌هایی که بیشتر از «مدیریت ملی بحران»، یادآور آغاز زود هنگام قیاب برای آینده سیاسی کشور است.

**قالیباف از رئیس مجلس تاچهره محوری مذاکرات**
جنگ اساساً مهم‌ترین فرصت سیاسی سال‌های اخیر را برای محمدمباقر قالیباف ایجاد کرد. او ناگهان از رئیس مجلسی که بخشی از افکار عمومی عمکلک‌رشد را با انتقاد دنبال می‌کرد، به یکی از چهره‌های اصلی مدیریت بحران و سپس مذاکرات تبدیل شد. در هفته‌های اخیر، نه فقط حضور او در رأس تیم مذاکره‌کننده خیر ساز شده، بلکه نوع رفتار و ادبیات پیرامون این تیم نیز حساسیت‌برآنگیز بوده است. اوج این حساسیت‌ها زمانی شکل گرفت که خبر صدور «حکم» برای اسماعیل بقایی به عنوان سخنگوی تیم مذاکره‌کننده منتشر شد.

ماجرا فقط یک واژه نبود. در سیاست خارجی و دیپلماسی، واژه‌ها اهمیت دارند. اسماعیل بقایی اساساً سخنگوی رسمی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران است و جایگاهش از ساختار حقوقی وزارت خارجه می‌آید، نه از یک تیم موقت مذاکره. همین مساله نیز شاید این پرسش را ایجاد کرد که آیا ریاست تیم مذاکره‌کننده به معنای ایجاد ساختار اداری موازی و صدور حکم برای بدنه رسمی دستگاه دیپلماسی است؟

**آیا مذاکرات به سکوی ۱۴۰۷ تبدیل می‌شود؟**
همین‌جامهم‌ترین نگرانی‌شکل می‌گیرد. در شرایطی که کشور هنوز در وضعیت تعلیق امنیتی قرار دارد، آیا پرونده حساس مذاکره در حال تبدیل شدن به سکوی سیاسی مدیریت است؟ واقعیت این است که در فضای سیاسی ایران، مذاکره همیشه سرمایه سیاسی تولید می‌کند؛ چه موفق باشد، چه شکست بخورد؛ اگر مذاکرات به کاهش تنش و بهبود نسبی اقتصاد منجر شود، قالیباف می‌تواند خود را معمار عبور

باین حال، در سطح افکار عمومی، بازسازی بیش از آن که پروژه‌ای ملی دیده‌شود، به‌تدریج با برند شهرداری تهران و شخص زاکانی گره خورده؛ وضعیتی که برای بسیاری از ناظران سیاسی، شائبه استفاده انتخاباتی از مدیریت بحران را ایجاد کرده‌است.

**تهران: میدان تازه سیاست**
علیرضا زاکانی امروز در موقعیتی قرار گرفته که شاید هیچ‌گاه در دوران شاهر داری‌اش تجربه نکرده بود؛ شرایطی که در آن بحران، هم تهدید وهم فرصت است. بازسازی مناطق آسیب‌دیده فقط یک پروژه عمرانی نیست؛ شبکه‌ای از تصمیم‌گیری درباره مسکن، وام، خدمات شهری، مجوز ساخت، حمایت اجتماعی و توزیع منابع است. هر کدام از این حوزه‌ها نیز ظرفیت بالایی برای تولید سرمایه سیاسی دارند. در تاریخ سیاسی ایران، مدیریت بحران پارها به سکوی پرش انتخاباتی تبدیل شده است. از جنگ و بازسازی گرفته تا مدیریت حوادث طبیعی و پروژه‌های بزرگ شهری، همواره این امکان وجود داشته که یک مدیر اجرایی از دل بحران، برای خود پایگاه اجتماعی بسازد. اکنون نیز برخی منتقدان معتقدند زاکانی در حال ساختن نوعی «سازمان رأی شهری» برای انتخابات شورای شهر و حتی افق دورتر ۱۴۰۷ است.

بازدیدهای مکرر، حضور میدانی، وعده‌های گسترده و تلاش برای تبدیل شهرداری به مرکز اصلی بازسازی، همگی در همین چارچوب تحلیل می‌شود. به‌ویژه آن‌که زاکانی در انتخابات ۱۴۰۳ نیز نوبت‌وزن سیاسی تعیین‌کننده‌ای پیدا کند و حالا بحران پساجنگ می‌تواند فرصتی تازه برای بازتعریف جایگاه او باشد.

**وفاق زیر سایه رقابت**
اینجاست که تناقض اصلی خود را نشان می‌دهد. دولت مسعود پیشکیان از روز نخست با شعار «وفاق ملی» روی کار آمد، شعاری که قرار بود شکاف‌های سیاسی و جناحی را کاهش دهد و کشور را از فضای فرساینده دو قطبی بیرون بیاورد. اما امروز، تنها چند ماه پس از جنگ و در شرایطی که هنوز حتی سرنوشت مذاکرات مشخص نیست، دور قیاب اصلی او عملاً مهم‌ترین پرونده‌های کشور را در دست گرفته‌اند؛ یکی مذاکره دیگری بازسازی. این وضعیت برای بخشی از افکار عمومی این پرسش را ایجاد کرده که آیا دولت در حال از دست دادن مرکزیت مدیریت بحران است؟ چرا در پرونده‌ای به اهمیت کمتر از نقش رئیس جمهور، در نظر خارجه کمتر از رئیس مجلس دیده می‌شود؟ و چرا در موضوع بازسازی، شهرداری تهران بیش از دولت در مرکز تصویر قرار گرفته‌است؟

البته در دفاع از این وضعیت می‌توان گفت کشور در شرایط بحرانی قرار دارد؛ طبیعی است که همه نهادهای وارد میدان شوند. اما مسئله منتقدان، اصل حضور نیست؛ بلکه «نوع حضور» است. نگرانی اصلی این است که بحران ملی به‌جای آنکه بستری برای همکاری باشد، آرام‌آرام به‌سهم میدان رقابت سیاسی تبدیل شود.

**خطر سیاست‌زدگی در میانه بحران**
شاید مهم‌ترین خطر امروز ایران، نه فقط بازگشت جنگ، بلکه سیاست‌زدگی مدیریت بحران باشد. کشوری که هنوز در معرض تهدید نظامی قرار دارد، اقتصادش زیر فشار شدید است. جامعه‌اش از فرسایش روانی رنج می‌برد و مذاکراتش در نقطه‌ای حساس قرار گرفته،

بعداز چند هفته گفت‌وگو بین دو طرف می‌توانیم بگوییم، رونده سمت نزدیک‌تر شدن دیدگاه‌هاست. البته نه به این معنی که ما و آمریکا را فراتر از راجع به موضوعاتی به این مهمی به تفاهم برسیم. به این معنا که بر مبنای مجموعه‌ای از پارامترها بتوانیم به یک‌راه‌حل مرضی‌الطرفین برسیم. وی گفت: بنای ما بر این بسوده که ابتدا ما یک یادداشت تفاهم یا تفاهنامه‌ای را تدوین کنیم، حالت یک تفاهم چارچوب مشتمل بر ۱۴ بند در این یادداشت تفاهم، مهم‌ترین موضوعاتی که لازمه خاتمه جنگ تحمیلی است و مواردی که برای ما اهمیت اساسی دارد، در آن گنجانده شود و طرف یک مدت زمان معقولی ۳۰ تا ۶۰ روزه در مورد جزئیات موضوعات گفت‌وگو شده و نهایتاً به توافق نهایی دست باییم.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی اظهار داشت: ما در مرحله نهایی سازی این یادداشت تفاهم هستیم. موضوعاتی که در این مرحله بحث می‌شود، از لحاظ کلی بر خاتمه جنگ متمرکز است. موضوع پایان یافتن تعرضات دریایی آمریکا، آن چیزی که خوششان به‌عنوان محاصره دریایی نامگذاری کردند. موضوع مرتبط با آزاد شدن اموال بلوکه شده ایران، عمده مواردی است که در این یادداشت تفاهم به آن پرداخته می‌شود.

**بازگشایی تنگه در برابر لغو محاصره –ایران جان**

الجزیره به نقل از یک مقام ایرانی، جزئیات توافق به دست آمده

بسیاری فکر می‌کنند: هر مردم و حاکمیت در دو سوی مختلف قرار دارند، اما این جنگ بسیاری از تحلیل‌گران را به این نقطه رساند که ملت ایران یکپارچه پای حاکمیتی که در سال ۷۵ به وجود آوردند کشور ایستاده‌اند. تورد کوریخی‌ای که ملت ایران در بیش از ۸۰ روز ثبت کردند، در دنیا بی‌تشریح است. این یک سرمایه اجتماعی بزرگ است که باید با یک مثال آن را تفسیر کرد: «عدو شدو سبب خیراگر خدا خواهد.»»

**در دفاع از کشورمان هیچ کوتاهی نخواهیم کرد**
اوباشا ره به تهدیدات ترامپ مبنی بر جنگ سخت دیگری افزود: «ترامپ تا آنجایی که بتواند با تهدید ارباب، لفاظی و تهدیدهای سیاسی امتیازات مدنظر خود را به دست می‌آورد، اما مردم ایران بیدبی نیستند که با این با‌دها بلرزند. ایران و ملت ایران با جایی مثل ونزوئلا کاملاً متفاوت است. بنابراین ممکن است دوباره آمریکا دست به حمله نظامی بر ندانند. در حالی است که ملت و مسئولین آماگی ۱۰۰ درصدی مقابل بادشمن را دارند. تدابیر لازم را اندیشیده‌ایم و در دفاع از کشورمان، در هیچ عرصه‌ای کوتاهی نخواهیم کرد.

رومی آورد. اتفاقاً این تهدیدات الان به ضرر اقتصاد آمریکا است.

شماره ۲۱۸۷ / یکشنبه ۳ خرداد ۱۴۰۵ / ۷ ذوالحجه ۱۴۴۷ / ۲۴ می ۲۰۲۶

**شاید انتخابات ۱۴۰۷ برای بسیاری از بازیگران سیاسی اهمیت حیاتی داشته باشد، اما بحران امروز ایران، نه رقابت برای قدرت، بلکه جلو‌گیری از بازگشت کشور به نقطه انفجار است و شاید مهم‌ترین مطالبه افکار عمومی از همه جناح‌ها همین باشد که فعلاً به جای انتخابات، به خود ایران فکر کنید**

بیش از هر چیز به تمرکز، هماهنگی و اعتماد عمومی نیاز دارد.

در چنین شرایطی، هر گونه شائبه استفاده تبلیغاتی از مذاکره با بازسازی، می‌تواند اعتماد عمومی را تضعیف کند. مردم اگر احساس کنند پرونده‌های مانند دیپلماسی با بازسازی مناطق آسیب‌دیده، به ابزاری برای پرندسازی سیاسی تبدیل شده‌اند، نه تنها نسبت به بازیگران سیاسی بدبین‌تر می‌شوند، بلکه اصل فرآیندهای ملی نیز زیر سوال می‌رود.

این خطر در موضوع مذاکرات حتی جدی‌تر است. مذاکره فقط پشت‌درهای بسته انجام نمی‌شود؛ بخش مهمی از آن در رسانه، افکار عمومی و مدیریت روایت شکل می‌گیرد. وقتی این تصور ایجاد شود که برخی بازیگران سیاسی بیش از منافع ملی به موقعیت آینده خود فکر می‌کنند، قدرت تیم مذاکره‌کننده نیز در سطح داخلی آسیب می‌بیند.

واقعیت این است که ایران اکنون در یکی از حساس‌ترین بزنگاه‌های دهه‌های اخیر قرار دارد. نه جنگ واقعا تمام شده، نه صلح تثبیت شده است. آتش‌پس هنوز شکننده است و هر تحول منطقه‌ای می‌تواند دوباره تنش را شعله‌ور کند. اقتصاد نیز در وضعیتی نیست که توان تحمل یک بحران تازه را داشته باشد.

در چنین شرایطی، کشور بیش از هر زمان دیگری نیاز مند نوعی «تعلیق رقابت سیاسی» است و وضعیتی که در آن، همه جریان‌ها و نهادها دست‌کم برای مدتی کوتاه، منافع جناحی و انتخاباتی را کنار بگذارند و بر مدیریت بحران تمرکز کنند.

اما آن چه امروز دیده می‌شود، دست‌کم از نگاه بخشی از منتقدان، نشانه‌های آغاز زود هنگام آرایش انتخاباتی است؛ آرایشی که در آن قالیباف تلاش می‌کند خود را چهره عبور از بحران و معمار مذاکرات معرفی‌کنند و زاکانی نیز می‌کوشد از دل بازسازی تهران، سرمایه اجتماعی و شکست‌خیزی تازه‌ای بسازد.

**آیا الان وقت بازی‌های انتخاباتی است؟**
حال شاید مهم‌ترین پرسش همین باشد؛ آیا اکنون حرمه‌ای آتش‌بسی کشنده در حالی که سایه جنگ مستوین بر سر کشور قرار دارد، زمان مناسبی برای فکر کردن به انتخابات ۱۴۰۷ است؟ جامعه‌ای که هنوز با تبعات جنگ بحران اقتصادی، نااطمینانی سیاسی و فرسودگی اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کند، بیش از هر چیز به حسن ثبات و اطمینان نیاز دارد. مردم انتظار دارند نهادهای سیاسی به‌جای رقابت برای آینده بر جلو‌گیری از بحران بعدی تمرکز کنند. شاید انتخابات ۱۴۰۷ برای بسیاری از بازیگران سیاسی نقطه‌انفجار باشد، اما بحران امروز ایران، نه رقابت برای قدرت، بلکه جلو‌گیری از بازگشت کشور به نقطه انفجار است و شاید مهم‌ترین مطالبه افکار عمومی از همه جناح‌ها همین باشد که فعلاً به جای انتخابات، به خود ایران فکر کنید.



بزرگی که تقدیم کردیم؛ در بزرگ‌ترین انقلاب، دکتر زرجانی، همه سرداران و همه کسانی که با هراتهدید شدند، درم دفاع از کشور کوتاهی نکردند و تا پای جان ایستادند و حضور مردم در کف خیابان هم این پیام را دنیا‌خبره برای همه‌هاشکند و باوشنگن تهران را ترک کرد.

قطر نقش کلیدی در تهیه تفاهنامه داشت و بین میانجی‌ها و واشنگتن تیطاط وجود داشت.

ایران نمی‌تواند امتیازات بیشتری از آنچه در تفاهنامه قید شده